

# تاریخ بدن در ادبیات

سید مهدی زرقانی

زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایوانلو، فاطمه جهانپور، حمید خادمی، محسن شرفایی، فرزانه فرخ فر



---

سرشناسه	: تاریخ بدن در ادبیات/سیدمهدی زرقانی..[و دیگران]
مشخصات نشر	: تهران:نشر سخن،۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۹۴۲-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نویسندگان سیدمهدی زرقانی، زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایزانلو، فاطمه جهانپور، حمید خادمی، محسن شرفایی، فرزانه فرخفر.
موضوع	: بدن انسان در ادبیات
موضوع	: <b>Human body in literature</b>
شناسه افزوده	: زرقانی، سیدمهدی، ۱۳۴۹ -
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ت ۴ ب/۴۰۹/ PIR
رده‌بندی دیویی	: ۸۳/۸۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۱۳۳۴۷

---

---

## تاریخ بدن در ادبیات

---

تاریخ بدن در ادبیات

---

---

سیدمهدی زرقانی

---



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

[www.sokhanpub.net](http://www.sokhanpub.net)

E.mail: [Sokhanpub@yahoo.com](mailto:Sokhanpub@yahoo.com)

[Instagram.com/sokhanpublication](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

[Telegram.me/sokhanpub](https://t.me/sokhanpub)

---

## تاریخ بدن در ادبیات

نوشته سیدمهدی زرقانی

چاپ اول: ۱۳۹۸

لیتوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۹۴۲-۴

---

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴ و ۶۶۹۵۳۸۰۵

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶

## فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
۱. درآمد.....	۱۵
۲. ساختار کتاب.....	۱۷
فصل ۱: مبانی نظری و کلیات.....	۲۹
۱. درآمد.....	۲۹
۲. مطالعات بدن.....	۳۰
۱-۲. رویکردها و بدن‌ها.....	۳۱
۱-۲-۱. رویکرد فرهنگی - اجتماعی.....	۳۲
۱-۲-۲. رویکرد سیاسی.....	۳۵
۱-۲-۳. رویکرد جنسیتی.....	۳۷
۱-۲-۴. رویکرد فلسفی.....	۳۸
۱-۲-۵. رویکرد عرفانی.....	۳۹
۱-۲-۶. رویکرد فقهی.....	۴۰
۱-۲-۷. رویکرد متافیزیکی.....	۴۰
۱-۲-۸. رویکرد زیست‌شناسانه.....	۴۱
۱-۲-۹. رویکرد روان‌شناسانه.....	۴۲
۱-۲-۱۰. رویکرد نشانه‌شناسانه.....	۴۳
۲-۲. از بدن یکپارچه تا بدن تکه‌تکه.....	۴۴

۳. تاریخ بدن در ادبیات ..... ۴۶
- ۱-۳. مسئله دوره‌بندی ..... ۴۹
- ۲-۳. بازنمایی بدن ..... ۵۰
- ۳-۳. ژانر ..... ۵۲
- فصل ۲: بازنمایی بدن در ژانرهای پیشااسلامی ..... ۵۵**
۱. درآمد ..... ۵۵
۲. پیکره متنی ..... ۵۶
۳. رویکردها و بدن‌ها در سنت زرتشتی ..... ۵۸
- ۱-۳. رویکرد هستی‌شناسانه ..... ۵۹
- ۱-۱-۳. بدن انسان، بدن کیهان ..... ۵۹
- ۲-۳. رویکرد زیست‌شناسانه ..... ۶۴
- ۱-۲-۳. بدن مینوی، بدن گیتیان، بدن پسین ..... ۶۶
- ۲-۲-۳. گفتمان پزشکی و بدن گیتیان ..... ۶۹
- ۳-۲-۳. نسبت بدن و روان: از تقارن تا تقابل ..... ۷۲
- ۳-۳. رویکرد فقهی ..... ۷۵
- ۴-۳. رویکرد طبقاتی ..... ۷۸
- ۵-۳. رویکرد جنسیتی ..... ۸۱
- ۶-۳. رویکرد زیبایی‌شناسانه ..... ۸۳
- ۷-۳. رویکرد فانتاستیک ..... ۸۴
۴. بدن در سنت مانوی ..... ۸۵
- فصل ۳: بازنمایی بدن در ژانرهای عربی ..... ۹۳**
۱. درآمد ..... ۹۳
۲. پیکره متنی ..... ۹۴
۳. رویکردها و بدن‌ها ..... ۹۵
- ۱-۳. رویکرد زیبایی‌شناسانه ..... ۹۵
- ۱-۱-۳. در دوره جاهلی ..... ۹۵
- ۲-۱-۳. در دوره اموی ..... ۹۸

- ۱۰۱..... ۳-۱-۳. در دوره عباسی
- ۱۰۳..... ۲-۳. رویکرد جنسیتی
- ۱۰۴..... ۱-۲-۳. کلیشه‌های جنسیتی و فرآیند جابه‌جایی
- ۱۱۰..... ۲-۲-۳. معشوق مذکر و حذف بدن
- ۱۱۳..... ۳-۳. رویکرد طبقاتی
- ۱۱۴..... ۱-۳-۳. بدن رئیس
- ۱۱۷..... ۲-۳-۳. بدن جنگاور

فصل ۴: بازنمایی بدن در ژانرهای علم‌الجمالی..... ۱۲۳

- ۱۲۳..... ۱. درآمد
- ۱۲۴..... ۲. پیکره متنی
- ۱۲۷..... ۳. علم‌الجمال
- ۱۲۸..... ۴. معیارهای جمال
- ۱۲۸..... ۱-۴. تصویری در تاریکی
- ۱۳۰..... ۲-۴. آمیختگی شاخصه‌ها
- ۱۳۵..... ۵. رویکردها و بدن‌ها
- ۱۳۵..... ۱-۵. رویکرد زیبایی‌شناسانه
- ۱۴۱..... ۲-۵. رویکرد غریزی
- ۱۴۷..... ۳-۵. رویکرد طبقاتی

فصل ۵: بازنمایی بدن در ژانرهای عاشقانه..... ۱۵۵

- ۱۵۵..... ۱. درآمد
- ۱۵۶..... ۲. پیکره متنی
- ۱۵۹..... ۳. رویکردها و بدن‌ها
- ۱۵۹..... ۱-۳. رویکرد ایدئولوژیک
- ۱۶۳..... ۱-۱-۳. تحلیل استعاره‌های بدنی
- ۱۶۶..... ۲-۳. رویکرد سیاسی
- ۱۶۸..... ۳-۳. رویکرد جنسیتی
- ۱۷۳..... ۴-۳. دو عشق، دو بدن



**فصل ۶: بازنمایی بدن در ژانر هجو** ..... ۱۹۱

۱. درآمد ..... ۱۹۱
۲. پیکره متنی ..... ۱۹۲
۳. رویکردها و بدن‌ها ..... ۱۹۳
- ۱-۳. رویکرد جمال‌شناسانه ..... ۱۹۳
- ۲-۳. رویکرد اروتیک ..... ۲۰۰
- ۳-۳. رویکرد جنسیت‌گرا ..... ۲۰۲

**فصل ۷: بازنمایی بدن در ژانر حماسی** ..... ۲۰۷

۱. درآمد ..... ۲۰۷
۲. پیکره متنی ..... ۲۰۸
۳. رویکردها و بدن‌ها ..... ۲۰۹
- ۱-۳. رویکرد سیاسی ..... ۲۰۹
- ۱-۳. ۱. دو بدن شاه در حماسه‌های ملی ..... ۲۰۹
- ۲-۱-۳. دو بدن شاه در حماسه‌های مذهبی و تاریخی ..... ۲۱۶
- ۳-۱-۳. دو بدن پهلوان در حماسه‌های ملی ..... ۲۱۹
- ۴-۱-۳. بدن پهلوان در حماسه‌های مذهبی ..... ۲۲۵
- ۵-۱-۳. بدن انبوه توده ..... ۲۲۷
- ۲-۳. رویکرد متافیزیکی ..... ۲۲۹
- ۳-۳. رویکرد جنسیتی ..... ۲۳۱
- ۱-۳-۳. بدن زن جنگجو ..... ۲۳۱
- ۲-۳-۳. بدن زن معشوقه / همسر ..... ۲۳۵
- ۳-۳-۳. بدن زن سیاست‌مدار ..... ۲۴۰
- ۴-۳. رویکرد اقتصادی ..... ۲۴۲
- ۵-۳. رویکرد فانتاستیک ..... ۲۴۳

**فصل ۸: بازنمایی بدن در ژانر کلام** ..... ۲۴۹

۱. درآمد ..... ۲۴۹
۲. پیکره متنی ..... ۲۵۰

۲۵۱	.....	۲. رویکردها و بدن‌ها
۲۵۲	.....	۱-۳. رویکرد وجودشناسانه
۲۵۲	.....	۱-۱-۳. بدن انسان، بدن کیهان
۲۵۴	.....	۲-۱-۳. آناتومی ایدئولوژیک بدن
۲۵۸	.....	۳-۱-۳. بدن جسمانی، بدن نورانی
۲۶۱	.....	۴-۱-۳. بدن اصلی، بدن فرعی
۲۶۳	.....	۵-۱-۳. بدن و اسماء‌الله
۲۶۳	.....	۶-۱-۳. دوگانه‌های هم‌طراز
۲۶۴	.....	۱-۶-۱-۳. روح و بدن
۲۶۸	.....	۲-۶-۱-۳. نفس و بدن
۲۷۱	.....	۷-۱-۳. دوگانه‌های ناهم‌طراز
۲۷۲	.....	۲-۳. رویکرد کارکردگرایانه
۲۷۷	.....	۳-۳. رویکرد متافیزیکی
۲۷۷	.....	۱-۳-۳. زنده در گور
۲۷۹	.....	۲-۳-۳. بدن‌های فانتاستیک
۲۸۶	.....	۳-۳-۳. بدن خدا
۲۹۵	.....	<b>فصل ۹: بازنمایی بدن در ژانرهای عرفانی</b>
۲۹۵	.....	۱. درآمد
۲۹۶	.....	۲. پیکره‌متنی
۲۹۷	.....	۳. رویکردها و بدن‌ها
۲۹۷	.....	۱-۳. رویکرد هستی‌شناسانه
۳۰۲	.....	۱-۱-۳. دو بدن متقارن
۳۰۴	.....	۲-۱-۳. تقابل دوگانه
۳۰۸	.....	۲-۳. رویکرد سیاسی-اجتماعی
۳۰۸	.....	۱-۲-۳. بدن کنترل‌شده و منضبط
۳۱۶	.....	۲-۲-۳. از بدن ملامتی تا بدن عصیانگر
۳۲۱	.....	۳-۲-۳. بدن مجنون
۳۲۶	.....	۴-۲-۳. بدن شطاح

۳۲۸	..... ۳-۳. رویکرد متافیزیکی
۳۲۸	..... ۱-۳-۳. بدن کرامت‌مند
۳۳۱	..... ۲-۳-۳. بدن قدیس
۳۳۹	..... ۴-۳. رویکرد جنسیتی
۳۳۹	..... ۱-۴-۳. تبعیض جنسیتی
۳۴۲	..... ۲-۴-۳. بدنمندی معشوق ازلی
۳۴۷	..... ۳-۴-۳. بدنمندی معشوق زمینی
۳۵۷	..... فصل ۱۰: بازنمایی بدن در نگاره‌های دوره اسلامی
۳۵۷	..... ۱. درآمد
۳۵۸	..... ۲. منبع‌شناسی
۳۵۹	..... ۳. تلفیق سنت‌ها
۳۶۱	..... ۴. مکاتب نگارگری در ایران
۳۶۴	..... ۵. رویکردها و نگاره‌ها
۳۶۵	..... ۱-۵. رویکرد زیبایی‌شناختی
۳۶۵	..... ۱-۱-۵. بدن پوشیده، بدن عریان
۳۶۸	..... ۲-۱-۵. بدن زیبا
۳۷۴	..... ۳-۱-۵. زیبایی و قدرت
۳۷۷	..... ۲-۵. رویکرد جنسیتی
۳۷۷	..... ۱-۲-۵. غیبت بدن مؤنث
۳۷۸	..... ۲-۲-۵. بدن فاقد هویت جنسی
۳۸۳	..... ۳-۲-۵. معشوق مذکر
۳۸۴	..... ۴-۲-۵. کلیشه‌های جنسیتی
۳۸۹	..... ۳-۵. رویکرد طبقاتی
۳۹۴	..... ۴-۵. رویکرد متافیزیکی
۴۰۱	..... نگاره‌ها و مرقعه‌ها
۴۳۳	..... نمایه

## پیشگفتار

کتاب حاضر برآیند پژوهشی گروهی و بینارشته‌ای است. غیر از نویسندگانی که نامشان در پشت جلد آمده، باید از کسانی یاد کنیم که بدون همیاری آن‌ها این تحقیق به انجام نمی‌رسید. از دانشجویان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد تشکر می‌کنم که در استخراج ایبات به من (زرقانی) کمک کردند. متأسفانه در این مجال اندک فرصت نیست که نام یک‌یک آن‌ها را ذکر کنیم و مجبوریم به یادی و تشکری از این عزیزان بسنده کنیم. از دوست بزرگوارم، علیرضا نیکویی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، تشکر می‌کنم که در شکل‌گیری ایده نوشتن این کتاب نقش داشت و در طول مسیر نیز پیوسته از نظراتش بهره می‌بردم. از آقای مهندس محمدکاظم کاظمی بابت صفحه‌آرایی کتاب قدردانی می‌کنیم و از خانم اعظم نیک‌خواه فاردقی که متن را از منظر ویراستاری ادبی مطالعه و اصلاح کردند. نیز بر خود لازم می‌دانیم از کارکنان نشر سخن و به‌خصوص جناب آقای علی‌اصغر علمی تشکر کنیم که کتاب را در صورتی پسندیده و مقبول به پیشگاه خوانندگان فرهیخته ارائه دادند.

این پژوهش سرآغاز و «درآمدی» است بر «تاریخ بدن در ادبیات» که دامنه‌ای بسیار گسترده دارد. در انتظار روزی هستیم که به همت پژوهشگران، صورت کامل آن نوشته شود؛ تاریخی که نه تنها در مطالعات ادبی محوریت دارد؛ بلکه محققان دیگر حوزه‌های علوم انسانی نیز از آن بهره‌ها خواهند برد. ما تمام تلاشمان را

به کار خواهیم بست تا اثری پاکیزه، خواندنی و علمی را به پیشگاه خوانندگان محترم ارائه دهیم. با وجود این، پژوهش حاضر مانند هر نوشته دیگری خالی از کاستی‌هایی نیست؛ کاستی‌هایی که ما خود بر بخشی از آن‌ها واقفیم؛ اما در شرایط فعلی امکان برطرف کردن آن‌ها برایمان فراهم نیست. درعین حال، مشتاق شنیدن پیشنهادها و نظرات منتقدان و خوانندگان محترم هستیم و پیشاپیش از حسن نظر و عنایت آن‌ها قدردانی می‌کنیم.

زمستان ۱۳۹۷

نویسندگان

## مقدمه

بدن سطحی است که رخدادها بر آن نقش می‌بندد

### ۱. درآمد

«سطحی که رخدادها بر آن نقش می‌بندد»، تعریف دقیقی است که اهمیت مسئله بدن را نشان می‌دهد. بله! بدن یک مسئله است که پیرامون آن ده‌ها و صدها مسئله جزئی و کلی دیگر شکل می‌گیرد. شاید هیچ پدیده دیگری را نتوان یافت که به اندازه بدن، سطح و عمق زندگی آدمی را اشغال کرده باشد. بدن همه جا حضور دارد؛ از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل الهیاتی گرفته تا موضوعات خیلی ساده و پیش‌پاافتاده. «بدن زیسته»<sup>۱</sup> عصاره تجربه بشری است که ما از طریق آن خود و جهان را معنا می‌کنیم. معنا همیشه تجسد یافته است؛ جهان از طریق بدن نمودپردازی و معنادار می‌شود و بدن، منبع فعالیت‌های آفرینش‌گرانه ما انسان‌هاست (اس و ایس، ۱۳۹۶: ۷۵). پدیده‌ای با این همه بار معنایی و نمادین، قابلیت آن را دارد که موضوع یک تاریخ قرار گیرد. تاریخ بدن در ادبیات، تماشا و تحلیل بازنمایی بدن در ژانرهای مختلف است؛ چه ژانرهایی که ما آن‌ها را به‌طور سنتی «ادبی» می‌نامیم و چه آن‌ها که «غیرادبی» نامیده می‌شوند. ما ادبیات را در

این اثر به معنای نوشتارها در نظر گرفته‌ایم نه فقط آثاری که وجه هنری در آن‌ها غلبه دارد.

کسی نمی‌تواند منکر اهمیت دانش‌های بنیادینی؛ نظیر بلاغت، سبک‌شناسی، عروض و قافیه، روایت‌شناسی و مانند این‌ها شود؛ اما تمرکز بیش از حد دپارتمان‌های ادبی بر مباحث فرمی در چند دهه اخیر، سبب شد قابلیت‌های فراوانی که در «محتوای ادبیات» وجود دارد، از چشم‌ها دور بماند. آن شاخه‌ای از علوم انسانی که می‌تواند راه رسیدن به این گنج پنهان را نشان دهد، همانا مطالعات بینارشته‌ای است؛ یعنی «تحقیقاتی که از طریق درهم‌تیدن اطلاعات و نظریه‌های دو یا چند رشته با شاخه‌های مختلف علوم به حل مسائلی می‌پردازد که پاسخشان در فضای محدود یک رشته یا یک علم به دست نمی‌آید» (انوشیروانی، ۱۳۹۲: ۴). تاریخ بدن در ادبیات اساساً ماهیتی بینارشته‌ای دارد و ما چه در طراحی و تدوین فصول کتاب و چه در تحلیل‌ها و انتخاب محورهای بحث به این نکته مهم نظر داشته‌ایم.

توجه به بدن سابقه‌ای به درازنای تاریخ بشر دارد. می‌توان لحظاتی را تصور کرد که بشر نخستین با شگفتی به بدن خویش می‌نگریست و درباره قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن فکر می‌کرد. پس از آن به لحظاتی می‌رسیم که آدمی به خودآگاهی درباره بدن می‌رسد و آن را در چهارچوب شاخه‌های مفهومی تعریف و تبیین می‌کند. اندک‌اندک مسئله بدن جدی‌تر شد و از آن میان فیلسوفانی سر برآوردند که به واسطه استغراق آن‌ها در تحقیقات بدنی، به فیلسوفان بدن مشهور شدند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و دیگر محققان علوم انسانی هم نخواستند از قافله بدن عقب بمانند و هر کدام فراخور حال و مقام خویش به مطالعات بدن روی آوردند و این‌طور شد که مطالعه بدن در علوم انسانی تا حد یکی از شاخه‌های اصلی گسترش یافت. با این حال، ورود این مبحث به فضاهاى آکادمیک ایران با تأخیر بسیار و به‌کندی صورت گرفت و هنوز هم، چنانکه باید و شاید، بدن به‌مثابه ابژه‌ای محوری در علوم انسانی جدی گرفته نمی‌شود.

در چنین شرایطی ما بسیار خرسندیم که اعلام کنیم کتاب حاضر از نخستین

آثاری است که با عینک مطالعات بدن به سراغ ادبیات می‌رود. آنچه در صفحات بعدی می‌خوانید، گزارش محققان علاقه‌مندی است که هر کدام با استفاده از زمینه مطالعاتی خود به سراغ موضوع محوری «بازنمایی بدن» رفته‌اند. غایت دور از دسترسی که ما پیش چشم داریم، نوشتن تاریخ بدن در ادبیات است؛ اما خود به این امر آگاهییم که تدوین نهایی و کامل چنین کتابی از عهده یک محقق و در بازه زمانی محدودی بر نمی‌آید. شرط لازم نوشتن چنین تاریخی، دسترسی کامل به آرشیو در هر دوره تاریخی است. درست به این علت است که با نهایت تواضع و از سر صدق اذعان می‌داریم که تحقیق حاضر چیزی بیش از «درآمدی» بر تاریخ بدن در ادبیات نیست. ما امیدواریم این تحقیق پنجره تازه‌ای به روی پژوهشگران ادبی بگشاید و چراغ راهی باشد برای آنان که می‌خواهند از منظر مطالعات بدن به ادبیات فارسی بنگرند.

## ۲. ساختار کتاب

کتاب با پیشگفتاری کوتاه و یک مقدمه آغاز می‌شود که در حال مطالعه آن هستید. خوانندگان محترمی که عنوان ناآشنای «تاریخ بدن در ادبیات» را در پشت جلد می‌بینند، انتظار دارند ما پیش از هر چیز توضیح دهیم که مقصودمان از این تعبیر دقیقاً چیست. همچنین می‌خواهند بدانند کتاب با کدام مبانی نظری طراحى، تدوین و نوشته شده و مفاهیم کلیدی آن کدام است. با وجود تعدد نویسندگان و اختصاص هر فصل به یک ژانر، کتاب بر اساس ایده واحدی، روی خط زمان حرکت و بازنمایی بدن را در ژانرهای مختلف روایت می‌کند. پاسخ به آن انتظارات و تبیین این ایده واحد مرکزی، محور بحث‌های اساسی فصل نخست کتاب را تشکیل می‌دهد که عهده‌دارش من (زرقانی) بودم.

نقطه آغاز بررسی‌های ما ادبیات ایران پیش از اسلام است. بخش اعظم آثار زرتشتی در دوره اسلامی نوشته و تدوین شده است؛ اما چون آن‌ها به سنت پهلوی-زرتشتی تعلق دارند، به‌طور کلی در زمرة ادبیات پیشااسلامی رده‌بندی



می‌شوند. اگر از حوادث کوچک و بزرگی که بر سر مردمان این مرز و بوم آمده، بگذریم، در تاریخ ایران چهار اتفاق بزرگ رخ داد که به شکل‌گیری چهار گسست فکری-فرهنگی منجر شد: نخست، ظهور زرتشت و تغییر جهت فرهنگ به مسیری که بعدها زرتشتی‌گری نامیده شد؛ دوم، حمله اسکندر گجستک به ایران که از نتایج آن آشنایی ایرانیان با فرهنگ یونانی بود و به دنبال آن، سده‌ها هم‌جواری با امپراطوری روم و برقراری مناسبات سیاسی و روابط خصمانه با اقوام مهاجم که زمینه بروز پارادایم تازه‌ای با محوریت فرهنگ تلفیقی ایرانی-رومی شد؛ سوم، ظهور اسلام که فرهنگ و ادب ما را به جغرافیای تازه‌ای هدایت کرد و چهارم، نهضت مشروطه که ایران را وارد «عصر جدید» نمود.

این گسست‌ها برش‌هایی را در تاریخ ایران پدید آورد که در عین حال که با یک‌دیگر بی‌ارتباط نیستند، به حیث پارادایم(های) مسلط از همدیگر متمایزند. منتها از آنجا که ادبیات برجای مانده از دوره‌های پیشااسلامی بسیار اندک است، ما همه آن را در یک فصل بررسی می‌کنیم. خواننده این فصل هم با دغدغه‌ها و ذهنیت‌های ایرانیان باستان درباره بدن آشنا می‌شود و هم درمی‌یابد که نیاکان ما تا چه میزان و در چه زمینه‌هایی به بدن توجه داشته‌اند. علاوه بر این، در این فصل نشان می‌دهیم که بدن برساخته در سنت زرتشتی چه تفاوت‌هایی با بدن برساخته در سنت مانوی دارد. ارتباطاتی که زرتشتیان میان بدن انسان و بدن کیهان برقرار می‌کنند و وحدت و انسجام وجودی انسان در این سنت، خواندنی و دلپذیر است. این فصل خواننده را متقاعد می‌کند که اندیشه ایران شهری در حوزه بدن تا چه حد عمیق، فلسفی و متفکرانه است. این فصل کار مشترک سرکار خانم فاطمه جهان‌پور و من (زرقانی) است.

به این ترتیب از جهان باستان خداحافظی می‌کنیم و به دیدار ایران بعد از اسلام می‌رویم. حدود سیصد سال طول کشید تا فارسی نو در قالب نوشتارها متولد شد؛ اما این بدان معنا نیست که ایرانیان در این سیصد سال بی‌کار نشسته بودند و یا میراث گران‌قدر ایران باستان از عرصه حیات فکری و اجتماعی آن‌ها زدوده شد. در جای دیگری (زرقانی، ۱۳۹۰) نشان داده‌ایم که بزرگ‌ترین حادثه

ادبی در سه قرن نخست دوره اسلامی، دگردیسی ژانرهاست. تلفیق آموزه‌های دوهزارساله ایرانیان با آنچه در دین پاکیزه اسلام آمده بود، همراه با چاشنی‌ای که از ملل شرق و غرب به آن افزوده شد، منجر به شکل‌گیری پدیده مهمی شد که ما آن را «دگردیسی ژانرها» می‌نامیم. تمدن و فرهنگ آریایی نژاد پس از دگردیسی در هیئت نوین و پیکره تازه‌ای به نام فارسی نو متولد شد. این بدان معناست که ادبیات ایران پس از اسلام دنباله ادبیات ایران باستان است که تجربه دگردیسی را از سر گذرانده است.

اکنون پرسش ما این است که دگردیسی مذکور و تلفیق فرهنگ و ادب ایران با ادبیات عربی جاهلی و اسلامی چه تأثیری بر ذهنیت بدن‌مندانۀ فارسی‌نویسان و فارسی‌گویان داشته است؟ همچنین با عنایت به ارتباط اعراب منطقه حیره با ساسانیان، این پرسش مطرح است که آیا بخشی از بدن‌آگاهی ایرانیان باستان وارد ذهن و زبان عرب دوره جاهلی شده است یا خیر؟ و اساساً چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان بازنمایی بدن در ادبیات ایران باستان و عرب جاهلی از یک طرف و فارسی نو و ادبیات عربی-اسلامی از طرف دیگر وجود دارد؟ این پرسش‌ها ما را متقاعد کرد که همراه با آقای امید ایزانلو فصل سوم کتاب را به بازنمایی بدن در ادبیات عربی اختصاص دهیم تا خواننده به ارتباطات بینافرهنگی ایرانیان و اعراب در مسئله بدن، آن‌طور که در ادبیاتشان بازنمایی شده، اشراف نسبی پیدا کند. این فصل به شما نشان می‌دهد که چه تفاوت عمده‌ای میان بدن‌آگاهی اعراب جاهلی و ایرانیان باستان وجود دارد.

بدین ترتیب، در پایان فصل سوم حلقه‌ای دیگر از زنجیره‌ای که بدن‌آگاهی فارسی‌زبانان دوره اسلامی را می‌سازد، آشکار می‌شود؛ اما برای یافتن سرچشمه‌های بدن زیبا و زیبایی بدن نقطه‌های ابهامی وجود داشت؛ مثلاً اینکه چشم زیبا در شعر فارسی کوچک و خمارگونه است یا لب زیبا بسیار کوچک تصویر شده و کمر به باریکی شهرت دارد، از کجا پیدا می‌شود؟ آیا چنین شاخصه‌هایی از میراث ماندگار ایران باستان وارد حوزه اسلامی شده یا از شعر عربی به بدنه شعر فارسی راه یافته است؟ می‌توان این پرسش را کلی‌تر هم

مطرح کرد؛ شاخصه‌های زیبایی بدن از کجا وارد ذهن و زبان فارسی‌گویان شد؟ و ارتباط بدن‌مندی فارسی‌نو با اجداد باستانی‌اش چگونه است؟ پرسش‌هایی از این دست، من (زرقانی) را در حیرانی فروبرده بود که از بخت نیک با سرکار خانم زهرا آقابابایی خوزانی آشنا شدم؛ محققی که تمرکزش بر روی منابع علم‌الجمالی فارسی، عربی و هندی بود. پس از گفت‌وگو با ایشان به این نتیجه رسیدیم که فصلی از کتاب را به بررسی بازنمایی بدن در منابع علم‌الجمالی فارسی، عربی و هندی اختصاص دهیم و این‌طور شد که فصل چهارم کتاب با مشارکت ایشان و من شکل گرفت. بررسی منابع علم‌الجمالی از بخش‌های فوق‌العاده لذت‌بخش تحقیق بود. این ژانر از آن جهت اهمیت دارد که محل تلاقی سه فرهنگ بزرگ جهان کلاسیک (ایرانی، عربی و هندی) در مسئله بدن است؛ ضمن اینکه بارقه‌هایی از بدن‌آگاهی یونان و روم باستان نیز بدان‌ها راه یافته است. پس از خواندن این فصل، تصویری از بدن در ذهن خواننده شکل می‌گیرد که شاخصه عمده آن تلفیقی بودن است.

بدین ترتیب باید گفت آنچه در ذهن و زبان شاعران و نویسندگان کلاسیک ما بوده، برآیند تلفیق مذکور است و نمی‌توان آن را به یکی از خاستگاه‌های محدود و منحصر کرد. خواندن این فصل بسیاری از تصورات شما را درباره خاستگاه‌های زیبایی‌پیکرین در شعر فارسی تغییر خواهد داد.

اکنون به حدود قرن چهار و پنج رسیده‌ایم. اجازه بدهید یک بار پرونده چهار فصل نخستین کتاب را مرور کنیم. به روزگاران دیر و دور ایران باستان سفر کردیم و شاکله‌های مفهومی آن‌ها را درباره بدن استخراج کردیم. از آنجا سری به صحراهای گرم و خشک عربستان زدیم و در سایه‌سار معلقات و اشعار عنتره، امرؤالقیس و حطینه و دیگران چهارچوب‌های ذهنی آن‌ها را درباره بدن مشخص کردیم. سپس به سراغ منابع علم‌الجمالی رفتیم تا شاخصه‌های بدن زیبا را پیدا کنیم. این‌ها پیشینه‌ای است که در ذهن و زبان فارسی‌گویان و فارسی‌نویسان بوده و تصورات آن‌ها درباره بدن از چنین خاستگاه‌هایی برآمده است. اکنون نوبت آن رسیده است به سراغ ژانرهایی برویم که به‌طور متعارف ادبیات فارسی نو نامیده می‌شود.

در هر کدام از ژانرها وجه خاصی از بدن برجسته است؛ مثلاً در ژانرهای عاشقانه، بدن زیبا و زیبایی بدن تشخص و تمایز بیشتری دارد. بهتر دیدیم بررسی ژانرهای فارسی نورا با ژانر عاشقانه آغاز کنیم که با فصل پیشین ارتباط مستقیمی دارد. البته این بدان معنا نیست که در این فصل بررسی‌های ما به رویکرد جمال‌شناسانه محدود و منحصر می‌شود. مسائل زیبایی بدن بسیار متنوع و متعدد است؛ مثلاً اینکه چرا شاخصه‌های بدن زیبا در طول هزار سال شعر فارسی چندان تغییری نکرده است؟ یا چرا جنبه‌های تنانه از عاشقانه‌های روایی فارسی حذف شد و در غزل به طرز عجیبی گسترش یافت؟ یا اینکه بدن آگاهی عاشقانه پردازان ما چه ارتباطی با بدن‌مندی در ایران باستان و عرب جاهلی و جامعه عصر خودشان دارد؟ در این فصل، همچنین ذهنیت نادرستی را به چالش خواهیم کشید که درباره معشوق مذکر در غزل فارسی به وجود آمده است. این فصل نوشته من (زرقانی) است؛ اما باید اقرار کنم که در تهیه مواد اولیه تحقیق از کمک فراوان دانشجویانم در دانشگاه فردوسی مشهد بهره‌ها گرفتم. از همه آن‌ها تشکر می‌کنم که پیوسته دستیار و مشوق من در نوشتن بوده و هستند. فصل پنجم را که سرتاسر ثبت لحظه‌های زیبای عاشقانه‌های فارسی است، به دانشجویانم تقدیم می‌کنم.

نظام‌های ارزشی، فرهنگی و دستگاه‌های جمال‌شناسیک ما طوری است که همیشه زیبایی توجه‌مان را جلب کرده و حتی سخن‌گفتن درباره زشتی بدن و بدن زشت حس نامطلوبی را در ما ایجاد می‌کند. این در حالی است که بدن زشت بنیاد یک ژانر مهم در ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد. اگر باور ندارید، با ما به فصل ششم بیایید تا کیفیت بازنمایی بدن را در ژانر هجو ببینیم. باید اقرار کنم که نوشتن این فصل برای ما بسیار مشکل بود؛ به طوری که چند بار تصمیم گرفتیم از کنار آن عبور کنیم؛ چراکه به هر طرف که گام می‌گذاشتیم و درباره هر موضوعی که می‌خواستیم قلم بزنیم، حجمی از تابوها در برابرمان قد علم می‌کردند و به ما اجازه نمی‌دادند تا چیزهایی را که فکر می‌کردیم لازم است، به قلم بیاوریم. حتی وقتی تصمیم داشتیم نمونه‌ای از ابیات را نقل کنیم، کلی با خودمان کلنجار می‌رفتیم که بنویسیم یا ننویسیم. درست به این علت است که